

مطالعه تطبیقی دارا شدن بلاجهت و ایفای نادره در حقوق ایران و مصر

ناصر بیرامی فارفار

سرشناسه: زمستان ۱۳۹۶
 عنوان و نام پدید آورنده: مطالعه تطبیقی دارا شدن بلاجهت و ایفای ناروا در حقوق ایران و مصر / ناصر بیرامی فارفار
 مشخصات نشر: گلزار ادب مرند
 مشخصات ظاهری: ۱۲۶ صفحه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۶۲-۴۳-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 موضوع: ایفاء ناروا-ایران
 یادداشت: چاپ اول: ۱۳۹۶
 شناسه افزوده: ناصر بیرامی فارفار - ۱۳۶۸
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۹ ب ۸۵۴ / KMH
 رده بندی دیویی: ۳۴۶ / ۵۵۰۲۹
 شماره کتابشناس ملی: ۵۰۴۷۵۷۲

شناسنامه کتاب

مرکز پخش: مرند، خیابان پروین اعتصامی، روبروی بانک صادرات، کتابفروشی اهل بیت علیه السلام
 ۴۴۲۵۷۴۴۷ - (۰۱) ۳۳۲۸ - ۰۹۱۴۱

شناسنامه کتاب

نام کتاب: مطالعه تطبیقی دارا شدن بلاجهت و ایفاء ناروا در حقوق ایران و مصر
 مؤلف: ناصر بیرامی فارفار
 ویراستار علمی: ناصر بیرامی فارفار
 تایپ و صفحه آرایی: ناصر بیرامی فارفار - مرتضی واحد
 طرح روی جلد: مرتضی واحد - ناصر بیرامی فارفار
 ویراستار ادبی: ناصر بیرامی فارفار
 ناشر: گلزار ادب مرند
 لیتوگرافی و چاپ: واژه
 نوبت چاپ: چاپ اول: ۱۳۹۶
 تعداد صفحه و قطع: ۱۲۶ صفحه وزیری
 شمارگان: ۵۰۰ جلد
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۰۶۲-۴۳-۴
 قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

«تمامی حقوق چاپ و نشر برای مؤلف محفوظ است»

تلفن مرکز پخش و فروش: مرند خیابان پروین اعتصامی - روبروی بانک صادرات کتابفروشی اهل البیت - شماره

موبایل: ۰۹۱۴۴۹۱۲۴۲۸

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	الف: علت انتخاب موضوع
۴	ب: سئوالات تحقیق
۴	پ: روش تحقیق
۵	د: ساختار تحقیق

فصل اول / کلیات

۹	مبحث اول: قاعده دارا شدن بلا جهت
۱۱	گفتار اول: مفهوم دارا شدن بلا جهت
۱۴	گفتار دوم: تاریخچه قاعده دارا شدن بلا جهت در فقه اسلامی
۱۷	گفتار سوم: استقلال قاعده دارا شدن بلا جهت
۱۸	گفتار چهارم: مبنای قاعده دارا شدن بلا جهت
۱۸	بند اول: اصالت مبنای قاعده دارا شدن بلا جهت در برابر مسئولیت مدنی
۲۰	بند دوم: اصالت مبنای قاعده دارا شدن بلا جهت از اداره خیریه
۲۲	بند سوم: مبنای قاعده: تحصیل نامشروع ثروت
۲۳	گفتار پنجم: ارتباط دارا شدن بلا جهت و نهادهای مشابه
۲۳	بند اول: ارتباط قاعده ضمان بد با دارا شدن بلا جهت
۲۴	بند دوم: ارتباط قاعده لاضرر و دارا شدن بلا جهت

- بند سوم: ارتباط قاعده ما یضمن با قاعده داراشدن بلاجهت ۲۴
- بند چهارم: ارتباط قاعده داراشدن بلاجهت با ایفاء ناروا ۲۵
- بند پنجم: ارتباط قاعده داراشدن بلاجهت با غضب ۲۶
- بند ششم: ارتباط قاعده داراشدن بلاجهت با اداره مال غیر ۲۷
- مبحث دوم: ایفاء ناروا ۲۸
- گفتار اول: صدرت های ایفاء ناروا ۲۹
- بند اول: ناروایی ابتدایی ۲۹
- بند دوم: ناروایی متأخر ۳۰
- گفتار دوم: مبانی نظری ایفاء ناروا ۳۳
- بند اول: مبانی فقهی ۳۳
- الف: قاعده ضمان ید ۳۳
- ب: قاعده ما یضمن ۳۴
- ج: قاعده لا ضرر ۳۵
- د: قاعده اقدام ۳۶
- ه: قاعده احترام ۳۸
- بند دوم: مبانی حقوقی ۳۹
- الف: نظریه شبه قراردادی (شبه عقد) ۳۹
- ب: دارا شدن نا عادلانه ۴۱
- ج: استیلاء بر مال غیر ۴۳

- گفتار سوم: پیشینه تاریخی ایفاء ناروا ۴۴
- گفتار دوم: ایفاء ناروا و نهادهای حقوقی مشابه ۴۶
- بند اول: استیفاء و ایفاء ناروا ۳۶
- الف: مقایسه استیفاء و ایفاء ناروا با بیان مشابهت‌ها ۴۷
- ب: مقایسه استیفاء و ایفاء ناروا با بیان مغایرت‌ها ۴۸
- دوم: ایفاء ناروا و اداره مال غیر ۴۸
- الف: مقایسه ایفاء ناروا و اداره مال غیر با بیان مشابهت‌ها ۵۰
- ب: مقایسه ایفاء ناروا و اداره مال غیر با بیان مغایرت‌ها ۵۱
- بند سوم: مصلحت و ایفاء ناروا ۵۲
- الف: مقایسه غضب و ایفاء ناروا با بیان مشابهت‌ها ۵۳
- بند دوم: مقایسه غضب و ایفاء ناروا با بیان مغایرت‌ها ۵۴
- فصل دوم / شرایط؛ آثار و احکام ایفاء ناروا در حقوق ایران و مصر**
- مبحث اول: شرایط تحقق ایفاء ناروا در حقوق ایران ۵۷
- گفتار اول: تسلیم مال به عنوان ایفاء ۵۷
- گفتار دوم: ناروایی پرداخت: (فقدان دین) ۵۸
- گفتار سوم: استیلائی گیرنده ۵۹
- گفتار چهارم: تأثیر اشتباه در پرداخت ناروا ۶۰
- مبحث دوم: شرایط ایفای ناروا در حقوق مصر ۶۱
- گفتار اول: دین غیر لازم التأدیه در زمان وفا ۶۲

- بند اول: دینی که اصلاً وجود نداشته است ۶۳
- الف: دینی که امید بود لازم‌الاداء شود؛ ولی چنین نشده یا هنوز نشده است ... ۶۴
- ب: زوال دین مستحق‌الاداء پیش از پرداخت ۶۵
- بند دوم: قابل ابطال شدن وفا؛ ناشی از شیوه معیوب ایفاء ۶۵
- گفتار دوم: ایفاء دین لازم‌التأیبه هنگام وفا که بعداً استحقاق تأدیبه ۶۸
- بند اول: ایفاء صحیح دین لازم‌التأدیبه ۶۸
- بند دوم: زین رفتن سبب دین پس از ایفاء ۶۹
- مبحث سوم: احکام ایفاء باروا ۷۰
- مبحث چهارم: آثار ایفاء باروا در حقوق ایران و مصر ۷۶
- گفتار اول: مسئولیت گیرنده ۷۶
- بند اول: الزام به رد مال و بدل آن ۷۶
- بند دوم: الزام به دادن منافع ۷۷
- گفتار دوم: مسئولیت پرداخت کننده ۷۹

فصل سوم / دارا شدن بلا جهت در حقوق ایران و مصر

- مبحث اول: شرایط دارا شدن بلا جهت ۸۵
- گفتار اول: دارا شدن یکی از طرفین ۸۵
- بند اول: دارا شدن به صورت مثبت و دارا شدن به صورت منفی ۸۶
- بند دوم: دارا شدن به صورت مستقیم و دارا شدن به صورت غیر مستقیم ۸۷
- بند سوم: دارا شدن مادی و دارا شدن معنوی ۸۸

- گفتار دوم: تهیدست شدن یا کاستن از دارایی دیگری ۸۹
- بند اول: کاستن از دارایی به صورت مثبت و کاستن از دارایی ۹۰
- بند دوم: کاستن از دارایی به صورت مستقیم و کاستن از دارایی ۹۱
- بند سوم: کاستن از دارایی یا تهیدست شدن به صورت مادی و یا معنوی ۹۲
- گفتار سوم: فقدان سبب ۹۳
- بحث سوم: آثار قاعده دارا شدن بلا جهت ۹۶
- بحث سوم: احکام دارا شدن بلا جهت ۹۹
- گفتار اول: طرح دعا ۱۰۰
- گفتار دوم: خواسته ها دفاع ها ۱۰۱
- گفتار سوم: اثبات دعوا دارا شدن ۱۰۲
- گفتار چهارم: شیوه های اعتراض به حکم ۱۰۳

نتیجه گیری و پیشنهادات

- نتیجه گیری ۱۰۷
- پیشنهادات ۱۱۰
- منابع و مأخذ ۱۱۲

مقدمه

روابط اجتماعی و اقتصادی چنان پیچیده و گسترده شده است که در بیشتر موارد هر کس مالی را بر دارایی خود بیفزاید؛ در آخرین تحلیل؛ از سهم دیگران کاسته است ولی قواعد حقوق در نظام اقتصادی هر کشور طرق کسب ثروت مشروع را نشان می‌دهد؛ طریقه مشروعی که بدین گونه می‌تواند تعادل بین دو دارایی را بر هم زند و زود یکی را در برابر کاستی دیگری موجه و مشروع سازد در سازد در اصطلاح سبب یا جهت نامیده می‌شود؛ برعکس دارا شدنی که خارج از آن شیوه‌ها حاصل گردد؛ برداشت از مال دیگری به شمار آمده و استفاده؛ بدون جهت و در نتیجه نامشروع خواهد بود؛ فلذا موقوف باید از استفاده بلا جهت جلوگیری کرده و به کسی که به زیان او استیفای ناشی از غارت گرفته است اجازه دهد تا آنچه را به ناحق از دست داده است در پناه قانون باز ستاند. جلوگیری از ظلم و ناروایی وظیفه حقوق است و این اقدام چه نظر اخلاقی و چه از نظر اجتماعی یک ضرورت است منتهی از نظر حفظ نظم باید چهار چوب قاعده و شرایط است داد به دقت روشن شده به بیان دیگر این ندای اخلاقی که هیچ کس نباید مال دیگری را به باطل و بدون جهت تصرف کند بایستی جامعه حقوقی بپوشد تا باعث در هم ریختگی اصول حقوقی دیگر نشود زیرا در پناه این قاعده مجمل و به ویژه تفسیر از خود سرانه از واژه‌های جهت و باطل ممکن است به نظام حقوقی و اقتصادی جامعه آسیب برسد. در قانون مدنی ایران مواد فراوانی دیده می‌شود که از استفاده بلا جهت جلوگیری کرده است؛ از جمله ماده ۳۳ در زراعت با جبه غیر؛ ماده ۱۷۲ در حیوان ضاله؛ مواد

۳۰۱ به بعد در پرداخت ناروا؛ ماده ۳۰۶ در اداره فضولی؛ مواد ۳۱۱ به بعد در غصب؛ مواد ۴۱۶ به بعد در غبن؛ ماده ۴۲۷ در عیب. به اضافه ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی و اجرای عدالت ایجاب می‌کند که به هیچ کس اجازه داده نشود به هزینه دیگران ثروتمند گردد و مال آنان را بی جهت متصرف شود. در قوانین ما قاعده‌ای کلی که به طور صریح حاوی منع بلا جهت باشد به چشم نمی‌خورد؛ همچنین در قانون مدنی قدیم مصر نیز دارا شدن بلا جهت به عنوان یک قاعده عمومی؛ ماده‌ای را در بر نداشته، بلکه؛ به ماده‌ای مختصر در مورد اداره فضولی اکتفاء کرده بود و مواد زیادی درباره ایفاء ناروا آورده بود و در گوشه و کنار قانون اشاره‌هایی به اصل دارا شدن بلا جهت نموده بود؛ اما قانون جدید مصر در مورد دارا شدن بلا جهت به عنوان یک قاعده عمومی مقرر داشته و دو صورت خاص این اصل یعنی ایفاء ناروا و اداره فضولی را مورد رجه قرار داده است؛ ماده ۱۷۹ در رابطه با ایفاء ناروا مقرر می‌دارد: «هر شخصی هر چند غیر ممیز که بدون جهت به حساب شخص دیگری دارا شود در حدود آنچه به او از بی ادبانه شده متعهد به دادن خسارت به شخص زیان دیده است و تعهد مذکور؛ حتی اگر دارایی وی بعداً از بین رود باقی می‌ماند» قانون جدید مصر قاعده دارا شدن بدون جهت را با ویژگی‌های ذیل از دیگر قواعد متمایز ساخته است:

۱. قاعده‌ی مذکور را مستقل؛ و به عنوان یکی از منابع تعهد مقرر نموده است.
۲. وضعیت نا به سامان پیشین را تصحیح نموده و اداره فضولی را ایفاء ناروا را دو مصداق از اصل دارا شدن بلا جهت بر شمرده است.
۳. این اصل از دیگر قیود سنتی رهایی یافته و صفت احتیاطی از آن زدوده شده است.

در مورد ایفاء ناروا در حقوق ما به نظر می‌رسد که مبنای دعوای استرداد جلوگیری از استیفای نامشروع و تصرف مال دیگری به وجه باطل است به طوری که قانون‌گذار اجازه نمی‌دهد که شخص مال دیگری را از این راه به ناحق تصرف کرده و طلبی را که ندارد بگیرد. احکام این فرض خاص بر مبنای قاعده علی‌الدین تنظیم شده است؛ چون پرداخت کننده به اشتباه مالی را به دریافت کننده داده و در نتیجه او نیز به مالی که استحقاق آن را ندارد و ملک دیگری است استیلاء یافته است؛ فلذا دریافت کننده در حکم غاصب است و باید آنچه را که از حق دیگری بر دست دارد به مالکش باز گرداند؛ پس باید پذیرفت که ایفاء ناروا هر چند یکی از مصادیق بارز استیفای نامشروع است اما از حیث احکام با قواعد مربوط به استیلاء نامشروع قرابت بیشتری دارد. در حقوق مصر نیز در مورد استرداد آنچه به ناروا اخذ گردیده است چنین بیان شده است که؛ استرداد ناروا وقتی صحیح است که ایفاء در جهت اجرای تعهدی که مهلت آن نرسیده صورت گرفته باشد و پرداخت کننده نسبت به وجود مهلت آگاه نباشد؛ لذا از مجموع مواد یاد شده در حقوق مصر استفاده می‌شود که می‌توان برای ایفاء ناروا دو حالت زیر را تصور نمود:

۱. ایفاء دینی که از همان ابتدا لازم آمده است.
۲. ایفاء دینی که در زمان وفاء لازم النسخ بوده ولی بعداً تأدیه آن غیر لازم شده است.

الف: علت انتخاب موضوع

از آنجا که پژوهش علمی با ظهور مسئله یا مجهولی در ذهن محقق شروع می‌شود؛ هدف اصلی تحقیق علمی را باید معلوم کردن آن مجهول و به عبارتی حل مسئله و پاسخ یافتن برای آن دانست؛ لذا این پژوهش نیز همانند سایر پژوهش‌های

علمی به دنبال رسیدن به مجهولات و سئوالات اصلی و فرعی است که در بیان قسمت‌های مربوط به خود طرح شده‌اند.

ب: سئوالات تحقیق

۱. ماهیت حقوقی ایفاء ناروا و داراشدن بلا جهت در حقوق ایران و مصر به

چه شکل است؟

۲. شرایط ایفاء ناروا و داراشدن بلا جهت در حقوق ایران و مصر چه وجوه

اشتراک و افتراقی دارند؟

۳. به طرز کلی، داراشدن را چه صورت‌هایی می‌توان بلا جهت جهت نامید؟

۴. آثار داراشدن بلا جهت و ایفاء ناروا در حقوق ایران و مصر چه

تفاوت‌هایی باهم دارند؟

۵. مبنای استرداد در حقوق ایران، مصر واحد است یا متعدد؟

ج: روش تحقیق

روشهای پژوهش در علوم رفتاری را معمولاً با توجه به هدف به پژوهش‌های بنیادی و کاربردی تقسیم می‌کنند؛ که این بخش به صورت کاربردی خواهد بود. روش تحقیق در این پژوهش بر اساس روش کتابخانه‌ای است؛ این روش به صورت نکته برداری از کتب و مقالات حقوقی و قوانین موجود خواهد بود که به صورت ضمنی در رابطه با موضوع بحث نموده اند و جمع آوری و تنظیم موضوعی آن‌ها و توصیف و تحلیل موضوعات می‌باشد. بنابراین روش گرد آوری اطلاعات کتابخانه‌ای؛ پیمایشی - توصیفی خواهد بود.